کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

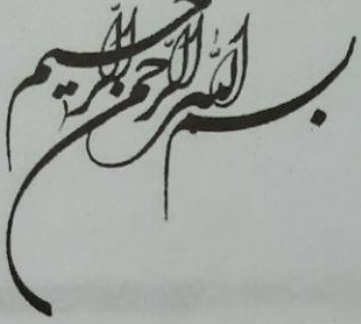
منتخبی از

حقوق بشر در متون مقدس ادیان الهی



به اهتمام

محمد حسن ضیائی فر



منتخبی از

حقوق بشر درمتون مقدس الهی

ازسری مجموعه اسناد- ۱

به اهتمام : محمد حسن ضیایی فر

تقدیم به علماء، صاحبنظران و نوجویان خستگی ناپذیر و بی ادعایی که در سراسر جهان تمام فکر و اندیشه و توش و توان خود را مصروف درک درست معارف الهی و ارائه مناسب و خالصانه و شجاعانه آنها به جامعه بشری در جهت رشد و تکامل فردی و اجتماعی انسان و تعمیق صلح، دوستی، کرامت انسانی و آزادی و امنیت و عقلانیت و رعایت حقوق بشر نموده و می نمایند.

کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

(سیدخندان ـ خیابان سهروردی شمالی ـ کوچه فرقاول ـ پلاک ۶)

(تلفن: ٤-٨٨٥٢٩٧٤٢)

میثاق

حقوق بشر در متون مقدس ادیان الهی. به اهتمام محمد حسن ضیائی فر.

حروفچینی و صفحه آرایی و طراحی جلد: حروفچینی و انفورماتیک کمیسیون

حقوق بشراسلامی ایران **ناشر:** مرکز نشر صبح میثاق **نوبت چاپ:** اوّل- بهار

۱۳۸۶ **چاپ:** شریعت **تیراژ:** ۳۰۰۰ نسخه **قیمت:** ۲۰۰۰۰ریال

شابک: ۸-۲٦-۸۳۰۸-۹٦٤- ۹۷۸

همهٔ حقوق برای کمیسیون محفوظ است.

ضیائی فر، محمدحسن، ۱۳۴۸.

منتخبی از حقوق بشر در متون مقدس ادیان الهی/ محمدحسن ضیائی فر. قم:صبح میثاق، ۱۳۸۵.

۸۰ ص.، قیمت:۲۰۰۰۰ریال

شابک:۸-۲۶-۸۳۰۸-۹۶۴-۹۷۸ ISBN:۹۷۸-۹۶۴-۸۳۰۸-۲۶-۸

کتابنامه به صورت زیرنویس:

۱.حقوق بشر(اسلام).۲.حقوق بشر.الف.عنوان

۲۹۷/ ۴۸۳۴

BP۲۳۰/۱/ م۹ض۹

فهرست مطالب

¢ پیشگفتار.....۱۰
حقوق بشر در قرآن کریم.....۲۰
اصل اول: انسان محوری.....۲۱
اصل دوم: کرامت انسانی.....۲۵
اصل سوم: عقلانیت انسانی.....۲۶
اصل چهارم: برادری.....۲۷
اصل پنجم: برابری.....۲۸
اصل ششم: مساوات در برابر قانون.....۲۹
اصل هفتم: حق حیات.....۳۱
اصل هشتم: حق امنیت.....۳۲
اصل نهم: آزادی.....۳۳
اصل دهم: حق دادخواهی.....۳۴
اصل یازدهم: حق مصونیت ۳۵
اصل دوازدهم: برائت.....۳۶

اصل سیزدهم: حق تناسب جرم با مجازات.....۳۷
اصل چهاردهم: ممنوعیت سانسور.....۳۸
اصل پانزدهم: حرمت حریم خصوصـی.....۳۸
اصل شانزدهم: حق اقـامت.....۳۹
اصل هفدهم: حق ازدواج و تشکیل زندگی.....٤۰
اصل هجدهم: حقوق متقابل همسران.....٤۱
اصل نوزدهم: حق استقلال اقتصادی همسران.....٤۲
اصل بیستم: حق اقلیتها.....٤۳
اصل بیست و یکم: آزادی اندیشه و بیان.....٤٤
اصل بیست و دوم: حق عضویت تشکلها.....٤٦
اصل بیست و سوم: شایسته سالاری.....٤۷
اصل بیست و چهارم: حق رفاه و آسایش.....٤۷
اصل بیست و پنجم: حق اظهار نظر و مشارکت.....٤۹
حقوق بشر در متون مقدس یهود.....۵۲
خلقت وماهیت خلیفه اللهی انسان.....۵۳
حق ازدواج و تساوی زن و مرد.....۵۳
عدم تبعیض بین زن ومرد.....۵۳

حرمت جان آدمی.....٥٤
برابری در مقابل قانون.....٥٤
ضرورت نوعدوستی و رعایت حقوق دیگران.....٥٥
ضرورت رعایت حق مالکیت و حقوق کار.....٥٥
تاکید بر خیرخواهی برای همه و رعایت حرمت دیگران.....٥٥
رعایت انصاف.....٥٦
تاکید بر نوعدوستی و عفو و بردباری.....٥٦
حمایت یکسان از قانون.....٥٦
همبستگی نوع بشر و تساوی در برابر قانون.....٥٦
حمایت برابر از همه انسانها.....٥٧
تاکید بر منع تبعیض مبتنی بر اصل ونسب افراد و اینکه دین افراد موجب سلب حق دیگران نمی شود.....٥٧
ضرورت حمایت از انسانهای آسیب پذیر.....٥٨
تاکید بر بردباری و انصاف نسبت به همه انسانها.....٥٩
حقوق بشر در متون مقدس زرتشتیان.....٦٠
آزادی اندیشه و وجدان و حق انتخاب راه درست بدون

تبعیض بین زن و مرد.....٦١
ضـــرورت حرکـــت در مســـیر الـــهی بـــــرای اجـــــرای عدالت.....٦١
آزادی و ا ختیار آدمی.....٦١
آزادی عقیده و فکر.....٦٢
تاکید بر اهمیت اساسی خردورزی و دانش اندوزی.....٦٢
اهمیت تعلیم و تربیت آدمی.....٦٣
اهمیت رشد و توسعه جهانی برای آحاد بشـر.....٦٣
تاکید بر نیکی و شـــفقت بـه دیگـران.....٦٤
نفی ظلم و ستم و ترویج دوستی و عدالت.....٦٤
حق ازدواج و ضرورت مهرورزی مشترک همسران.....٦٥
ضرورت پرهیز از ریا و دروغ و نقض حقوق دیگران.....٦٥
حقوق بشر در متون مقدس مسیحیت.....٦٨
تـاکید بـر عدالـت خواهـی و صلـح دوسـتی و گذشـــت و بردباری.....٦٩
ضرورت حمایت از افراد آسیب پذیـــر و احـترام بـه حقـوق دیگران.....٦٩

ضرورت پرهیز از نقض حقوق کارگران و تاکید بر حمایت
از مستمندان.....٦٩
تـاکید بـر حرمـت جـان آدمـــی و ترویـــج نوعدوســـتی و
بردباری.....۷۰
تاکید بر شفقت و دوستی بین انسانها.....۷۱
تاکید بر پاداش اخروی نیکوکاری در این جهان.....۷۱
ضرورت ترویج محبت و نوعدوستی.....۷٤
تاکید بر گذشت و بردباری.....۷۵
تاکید بر پرهیزا ز روحیه انتقام جویی.....۷٦
رعایت انصاف در روابط انسانی.....۷۷

¢ پیشگفتار:

قرنهاست که تاریخ مکتوب حیات بشر انعکاس دهنده حضور انبیـاء الـهی و تاثیر آموزه های آنان بر روند رشد و تعالی بشر و اعتقادات و باورهای اقـوام مختلف جهان می باشد. با این حال آنچه در جهان معاصر مشاهده می شـود ویژگی های خاص خود را دارد از جمله اینکـه: در جـهان معـاصر اکـثریت جمعیت جهان را معتقدین به یکی از ادیان توحیـدی ابراهیمـی تشـکیل مـی دهند، ثانیا) دانش و معرفت بشری در حیطه های مختلف رشد بی سـابقه ای یافته به نحوی که اعتقادات و باورهای به امور ماورایی به شدت مورد نقـد و ارزیابی علمی قرار می گیرد، ثالثا) نیازهای بشر در عرصه های مختلف حیات جهانی به تبع تحولات در فکر واندیشه و جلوه های تمدنی، پیچیدگی هـای خاص یافته که یافتن راه حل های متناسب با این نیازها و در چارچوب آموزه

های دینی امری بس " تخصصی، شگرف و هنرمندانه" گردیده است، رابعا) افکار و اعتقادات رقیبِ ادیان توحیدی که دست ساخته خود بشر بوده و هر یک رنگ و جلوه ای انساندوستانه و توجیه پذیر نیز به خود زده اند بسیار تکثر پیداکرده و هر یک این فرصت را یافته اند تا با استفاده از ابزارها و امکانات رسانه های موجود در جهانِ به شدت به هم پیوسته، افرادی را به خود مشغول کنند، خامسا) همانند گذشته افرادی پیدا شده اند که از اعتقادات دینی با اهداف و انگیزه های مختلف سوء استفاده کرده و بعضا انسانهای بی گناه دیگری را با استناد به برداشت های نادرست خود به قتل رسانده و می رسانند ولی با این تفاوت نسبت به گذشته که هم ابزارهای کشت و کشتار نسبت به قبل توسعه بسیار یافته وهم بشر رشد و تلطیف پیدا کرده که کوچکترین ناآرامی و خشونت برایش مهم جلوه می کند و هم رسانه های متنوع در انعکاس ابعاد تحولات وجود دارند که در ذهنیت سازی مخاطبین

تاثیری بی سابقه بر جای می گذارند که نتیجه آن شکل گیری ذهنیت منفی نسبت به آموزه های دینی مربوطه و یا نوعی دین گریزی و یا دین هراسی می شود. سادسا) در مقابل حرکت های سوء استفاده گرایانه از آموزه های دینی، جنبشی در بین نخبگان دینی و لایه های عمومی جوامع معتقد به ادیان مختلف دیده می شود که با رویکردهای اعتدالی و منطقی و یا افراط گرایانه درصدد حفظ هویت خود و بازشناسی قابلیتها و ارزشهای اصیل دینی و طرد جریان های فکری تحمیلی از بیرون و یا سوء استفاده گرایانه از درون ولو با نام اعتقاد و عمل به ادیان مزبور می باشند. همین ویژگی ها و موارد متعدد دیگر موجب شده که بررسی آموزه های ادیان مختلف توحیدی در جهان معاصر، چه از حیث روش شناختی و چه از حیث محتوایی دچار تحولات بسیاری شوند و ظرائف جدیدی را شامل گردند به نحوی که امروزه در یک تقسیم بندی کلی، طیف های فکری متنوعی را می توان از یکدیگر تمیز و مورد ملاحظه قرار داد:

اول) نخبگان و علمای ادیان که خود طیف های فکری متفاوتی را شامل می شوند اعم از آنان که با روشهای کلاسیک درصدد فـهم و ارائـه آمـوزه هـای دینی هستند یا آنانی که بـا اصلاحـاتی در روش فـهم متـون و منـابع ضمـن پایبندی به کلیت اصول و ارزشهای دینی، درصد فهم و ارائه گزاره های دینی هستند و یا آنانی که به طور کلی با تحول در روش فـهم متـون و تحـول در ملاک ها و معیارهایی که برای فهم درست منابع و متـون دینـی بـاید بدانـها پایبندی نشان دهند، فعالیت علمی خود را انجام می دهند و معتقدند تـا ایـن تحولات در روش و ملاکهای درک و فهم انجام نپذیرد نمی توان نـه حـافظ خوبی نسبت به منابع دینی بود و نه پاسخگوی نیازهای بشر معاصر.

دوم) روشنفکران ومتفکرینی که از زوایای فلسفی، معرفت شناختی، تاریخی، جامعه شناختی، زبان شناسی و یا حقوقی به درک و معرفی آموزه های دینـی می پردازند بی آنکه معیارها و روشهای مصطلح بررسی درون دینی، رویکرد

اصلی فعالیت فکری آنها باشد. در این طیف نیز تنوع فکری و نمـایندگـان برجسته متعددی را می توان مشاهده کرد.

سوم) عموم مردم چه آنها که در جوامع سکولار زندگی می کنند و چـه آنـها که در جوامعی با اکثریت دیندار و یا نظام حقوقی مبتنی بر آموزه های دینـی اداره می شوند. بازتاب اندیشه و عمل راجع به احکام و ارزشـهای دینـی در میان عموم مردم نیز وضعیت یکسانی را نشـان نمـی دهـد. هـزاران و بلکـه میلیونها انسان را می توان دید که با همه وجود معتقد به آموزه هـایی هسـتند که در طول زندگی بدانها اعتقاد دینی پیدا کرده اند آنگونه که هستی آنـها در راستای عمل به اعتقادات دینی معنا پیدا می کند. طیف دیگـری را مـی تـوان دید که از حیث فکری و عملی درگیر چـالش هـا و پرسـش هـای مختلـف درونی هستند و در پی کسی که بتواند پاسخ شبهات و پرسشهای متعدد آنـان را بدهد تا از حالت تردید نسبت به بسیاری از اعتقادات گذشته خود درآینـد

و بتوانند انسجام درستی بین اعتقادات دینی خود و علوم و معارف مختلف بشری برقرار کنند و در نهایت طیفی که صرفا از حیث اسمی مسلمان یا یهودی و یا مسیحی و معتقد به دیگر ادیان توحیدی می باشند ولی نه درک درستی از اصول و احکام دین خود دارند و نه در عمل آنها نمودی از این امر را می توان دید و ...

با لحاظ واقعیات مذکور در جهان معاصر و طیف های فکری متنوعی که اشاره وار یادآوری گردید، برای حقوقدانان مخصوصا حقوقدانانی که می خواهند در عین پایبندی به آموزه های دینی نسبت به مهمترین دستاورد جهان معاصر که همانا "باور به حیثیت ذاتی انسانی و حقوق فردی و اجتماعی انسان و منع تبعیض" نامیده می شود، سخن مطلوب و موثری داشته باشند، کار بسیار سخت شده است. همین سختی، ضرورت تلاش مستمر مخصوصا برای حقوقدانان ایرانی را چندان برابر می کند و این انتظار طبیعی از آنان

میرود که نه صرفا مترجم و مقلد اندیشه هـای بـیرونی باشـند و نـه صرفـا مطالب و تولیـدات فکـری گذشـتگان را تکـرار کننـد. مجموعـه حـاضر در چارچوب اطلاع رسانی اسناد مختلفی که یادآوری آنها برای نخبگان در تولید فکر واندیشه جدید دینی در جهت پاسخگویی به نیازهای حقوقی بشر معاصر و یا فراهم سازی حداقل معلوماتی برای عموم مردم در زمینه حقوق انسـانی لازم است، تهیه گردیده است به همیـن جـهت ابتـدا در قـالب بروشـورهای آموزش عمومی کمیسیون در سال ۸۵ منتشر و در اسـتانهای مختلـف توزیـع شد، سپس قالب فعلی را پیدا کرد تا حفظ و نگهداری مطالب و رجوع به آنها سهل تر و پاسخی به تقاضاهایی باشد که در مدت چند مـاه اخـیر مکـرر بـه حقیر منعکس گردید. امید است در تامین اهداف عمده مـد نظـر موثـر واقـع شود و مرضی خداوند سبحان قرار گیرد.

در پایان برای اطلاع از روند تدوین مجموعه یادآوری می نماید که ابتدا اکثر

مطالعاتی که نسبت به آموزه های هر یک از ادیان توحیدی مذکور از منظر حقوق انسانی در گذشته انجام پذیرفته و به صورت مکتوب دسترسی به آنها میسور بوده مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته است سپس در مورد قرآن کریم نظرات برخی از قرآن پژوهان کشوراخذ گردیده و در مورد ادیان غیر اسلام از رهبران دینی خود ادیان مزبور در ایران تقاضا شده که اعتقادات دینی خود در مقوله حقوق انسانی را منعکس نمایند که با بزرگواری و در کمترین زمان ممکن مساعدت نمودند. آنگاه مطالب مربوط به هر یک از ادیان، براساس اسلوبی که امروزه اسناد حقوق بشر در سطح جهانی تنظیم می شوند عنوان گذاری و تفکیک محتوایی شده و پس از تنظیم ادبیات مطالب و برخی ویرایش های لازم، مجددا پیش نویس آماده شده به نظر صاحبنظران دینی هر یک از ادیان چهارگانه مذکور در کتاب رسیده و پس از اخذ نظر، مجموعه حاضر مراحل نهایی خود را طی کرده است. قطعا گام کوچک برداشته شده را

باید با گامهای بزرگتر در آینده کامل کرد تا حق مطلب بهتر ادا شود. وظیفه خود می دانم از یکایک عزیزانی که در انجام این کار همراهی نمودند سپاسگزاری نمایم. به ویژه آیت الله هاشم زاده هریسی از خادمین کشوری قرآن کریم در ارائه برخی نظرات تخصصی، جناب آقای یشایایی رئیس محترم انجمن کلیمیان تهران، جناب آقای دکتر حمامی از روحانیون محترم انجمن کلیمیان، جناب مؤبد دکتر اردشیر خورشیدیان رئیس محترم انجمن مؤبدان تهران، سرکار خانم شهریاری از حقوقدانان زرتشتی، جناب آقای آرامیان رئیس شورای خلیفه گری ارامنه تهران و شمال و اسقف اعظم ارامنه تهران و شمال ایران جناب آقای سیبو سرکیسیان که هر یک در بخش محتوایی مربوط به ادیان غیر اسلام متقبل زحمت شدند، همکاران ارجمند در کمیسیون آقایان انصاری، درجزی، رهگذر و سرکار خانمها یاعلی و رحیمی که هر یک به نوبه خود در پیگیری های اجرایی و یا حروفچینی و یا طراحی

رایانه ای جلد کتاب و تطبیق برخی از پیش نویس های اولیه حروفچینی شده با قرآن کریم از حیث اعراب گذاری کمک نمودند، همه و همه در ثواب و پاداش معنوی این کار خیر شریک هستند. ارزش مادی این کار نیز همانند همه دیگر تلاشهای حقیر طی بیش از یک دهه گذشته متعلق به کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران و مجموعه فعالیت های عام المنفعه این نهاد می باشد. خدای بزرگ را شاکریم که علیرغم سختی های بسیار این توفیق را یافته ایم که خادم پیشبرد حقوق انسانی باشیم و قدمی هر چند کوچک در مسیر تعالی کشور عزیزمان برداریم.

خدایا درد دردمندان را دوا کن و تاریکی جهل همه را به علم و معرفت و بصیرت روشن گردان.

محمدحسن ضیائی فر – زمستان ۱۳۸۵

بخش اول:

حقوق بشر در متون مقدس ادیان الهی
(قرآن کریم)

اصل اول: انسان محوری

قرآن کریم در آیات متعدد عموم انسانها را و نه گروه خاصی از مردم را مورد خطاب و عنایت قرار داده است. انسان ۲۷ بار در قرآن مورد خطاب عمومی قرار گرفته (به جز مواردی که با ضمیر اشاره) ۲۰ بار با یا ایها الناس و ۷ بار با یا ایهاالانسان و یا بنی آدم و به عبارت دیگر آنگونه که برخی محققین گفته اند به طور کلی ۳۷۳ بار کلمه انسان در قرآن به کار رفته است.

- یا اَیُّها الناسُ اِنّا خَلقناکُم مِن ذَکَرٍواُنثی و جَعلناکمُ شُعوباً و قبائلَ لِتعارَفوا اِنّ اَکرَمَکُم عِنداللهِ اَتقاکُم اِنّ اللهَ علیمٌ خبیر. (ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین مردمند و خدا (هم بر نیک و بد مردم و ظاهر و باطن

خلق) کاملا آگاهست (حجرات، ۱۳)

- یا اَیُّهاَ الناسُ کُلُوا مِمّا فِی الْاَرضِ حَلالاً طَیِبّا و... (ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید و پیروی نکنید وساوس شیطان را محققا شیطان از برای شما دشمن آشکاریست (بقره، ١٦٨).

- یا اَیُّهاَ الناسُ قَد جائَکم بُرهانٌ مِنْ رَبِّکُم و... (ای مردم برای هدایت شما از جانب خدا برهانی محکم آمد و نوری تابان به شما فرستادیم (نساء، ١٧٤).

- اِنَّ الله بِالنّاسِ لَرَؤفٌ رَحیم – مسلما خداوند درباره مردم دلسوز و مهربان است (سوره حج، ٦٥، سوره البقره، ١٤٣)

- اِنَّ رَبَّکَ لَذُو مَغفِرَةٍ لِلناسِ عَلی ظُلمِهِم – مسلما پروردگار تو خطاپوش مردم است با همه ستمکاریشان. (سوره رعد، ٦)

- اِنَّ الله لَذو فَضْلٍ عَلَی النّاسِ وَ لکِنَّ اَکثَرهم لایشکرون – مسلما

خداوند به مردم تفضل می کند *[بیش از استحقاقشان بخشش می کند]* ولیکن بیشتر آنان ناسپاسی می کنند. (سوره البقره، ۲٤۳ و سوره یونس، ٦۰ و سوره نمل، ۷۳)

- وَ اذا حَکَمْتُم بَیْنَ النّاسِ اَنْ تَحکُمُوا بِالعَدل – آنگاه که میان مردم داوری کردید باید به عدالت حکم بکنید (سوره نساء، ۵۸)

- یا داود اِنّا جَعَلناکَ خَلیفَهً فِی الاَرضِ فَاحْکُم بَینَ الناسِ بِالحَق – یاداوود تو را در زمین جانشین قرار دادم پس میان مردم مطابق حق داوری کن (سوره ص، ۲٦)

- وَ لا تَاْکُلو اَموالَکُم بَینَکُم بِالْباطلِ وَ تُدْلُوا بِها اِلی الحُکّامِ لِتَاْکُلُوا فَریقاً مِن اَموالِ الناسِ بِالاِثْم و اَنتمُ تَعلَمون – مال همدیگر را میان خودتان به نحو غیر مشروع نخورید. نشود که مرافعه نزد داوران را وسیله سوء استفاده قرار داده از راه رشوه و شهادت زور و سوگند به دروغ،

تبهکارانه قسمتی از مال مردم را به ناحق بخورید و حـــال آنکـه مـی دانید چه می کنید (سوره البقره، ۱۸۸)

- اِنَّماَ السَّبیلُ عَلی الَّذینَ یَظْلِمُون الناس – مسلما مسئولیت متوجه آنـان است که به مردم ستم می کنند (سوره شوری، ٤۲)

- فَاَوفو الکَیل وَالمیزان و لا تَبْخَســوالنّاسَ اَشـیائَهُم– ابـزار سـنجش و ترازو را درست کنید و از آنچه از آن مـردم اسـت کـم نکنیـد. (سـوره اعراف، ۸۵، سوره هود، ۸۵ و سوره شعرا، ۱۸۳)

- اَلَّذیـنَ اِذَا اکْتـالوا عَلـی النّـاسِ یَسْـتَوفونَ وَ اِذَا کـالوهُم اَو وَزَنُوهُـم یُخْسِرون – وای به حال کم فروشان که هر گـاه متـاعی از مـردم مـی گیرند با سنگ تمام و ابزار سنجش درست می ستانند و هر چه به مردم می دهند از آن کم می کنند (سوره مطففین،۲و۳)

- وَ قُولوا لِلنّاسِ حُسنا – به مردم نیکو سـخن بگوئیـد. (سـوره البقـره، ۸۳)

- وَالکاظِمَین الغَیظَ وَ الْعافینَ عَنِ النّاس – پرهیزکاران فرونشانندگان خشم خود و بخشایندگان خطاهای مردمند. (سوره آل عمران، ۱۳٤)

- وَ لا تُصَعِّر خَدَّکَ لِلنّاس – متکبرانه روی خود را از مردم برمگردان (سوره لقمان، ۱۸)

- وَ اَمّا ما یَنْفَعُ النّاس فَیَمکُثُ فِی الأَرض – هر آنچه به مردم سود می رساند در زمین پایدار می ماند (سوره رعد، ۱۷)

- لا خَیرَ فِی کثیرٍ مِنْ نَجواهُم اِلّا مَن اَمَرَ بِصَدَقَهٍ اَو مَعروفٍ اَوْ اصلاحٍ بَین النّاس – در بیشتر گفتگوی در گوشی آنان خیر و برکتی نیست مگر آن کس که صدقه و احسان را سفارش بدهد یا امر به معروف کند یا به اصلاح در میان مردم توصیه بنماید (سوره نساء، ۱۱٤)

اصل دوم: کرامت انسانی

تاکید بر اینکه همه افراد بشر عضو خانواده بزرگ انسانی و دارای منزلت متعالی و حقوق متقابل هستند.

- وَ لَقد کَرَّمنا بَنی آدم و حَمَلنا هُم فِی البَّرِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقنا هُم مِنَ الطّیبات و فَضَّلْنا هُمْ عَلی کَثیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضیلا. (همانا فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و خشکیها و دریاها را برایشان هموار ساختیم و از غذاهای پاکیزه روزی اشان کردیم و آنان را بر بیشتر از آفریده هایمان برتری دادیم. (سوره اسری، ۷۰)

اصل سوم: عقلانیت انسانی

تاکید بر اینکه همه انسانها از موهبت خرد و وجدان برخوردارند.

- وَ اللهُ اَخْرَ جَکُمْ مِنْ بُطُون اُمّها تِکُمْ لا تَعْلَمُونَ شِیْئا وَ جَعَلَ لَکُمْ السَّمعَ وَالْابْصارَ وَالاَفْئِده لَعَلَّکُمْ تشْکُرُونْ... (خدا شما را از شکم

مادرهایتان بیرون آورد در حالیکه هیچ چیز را درک نمی کردید و برای شما چشم و گوش و خرد قرار داد شاید شکر این نعمتها را به جای آورید (سوره نحل، ۷۸).

- وَ لا اُقْسِمُ بِالنَّفَسِ اللَّوّامه (سوگند به روح ملامتگر انسانی *[کنایه از وجدان بشری]* (سوره قیامت، ۲).

اصل چهارم: برادری

تاکید بر اینکه همه انسانها از یک پدر و مادر به وجود آمده اند و طبعا برادر و خواهر یکدیگرند.

- یا اَیُّهَا الْناسُ أَتقُوا رَبَّکُم الّذی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَه وَخَلَقَ مِنْها زَوْجَها وَ بَثَّ مِنْهُما رجالاً کَثیرا وَ نساء. (ای مردم بپرهیزید از پروردگارتان آنکه شما را از یک تن آفرید و جفت او را از جنس

خود او قرار داد و مردان و زنان فراوان را از آن دو پدیـــد آورد و بـر روی زمین پراکنده نمود. (سوره نساء، ۱).

– ماکانَ الناسُ اِلّا اُمَّةً واحده فَاخْتَلَفو و ... (مردم یک طایفه پیش نبودند پس از آن فرقه فرقه شدند و اگر کلمـه ای کـه در ازل از حـق سـبقت یافته (که برای آزمایش مهلت یابند) نبود البته اختلافاتشان خاتمه یافتـه و .... داده می شد (سوره یونس، ۱۹)

اصل پنجم: برابری

تاکید بر اینکه اختلاف رنگ، نژاد، قومیت، زبان و امثالـهم نمـی توانـد منشا امتیاز و برتری گروهی بر گروه دیگر یا فردی بر فرد دیگر باشد و همه افراد بشر به یکسان از حقوق انسانی بهره مند هستند.

– یأ أَیُهَا النّاس اِنّا خَلَقْنا کُمْ مِـنْ ذَکَـر وَ اُنْثـی و جَعَلْنـا کُـمْ شُـعوبا وَ

قَبائِل لِتَعارِفوا انَّ اکَرمَکُم عِنْدَالله اَتقاکُم. (ای مردم همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به صورت ملتها و خاندانها درآوردیم تـا یکدیگـر را بشناسید. همانا ارجمندترین شما نزد خـدا پرهیزکـارترین شماسـت (سوره حجرات، ۱۳).

اصل ششم: مساوات در برابر قانون

تاکید بر اینکه همه افراد بشر در برابر قانون مساوی بوده و قانون بدون تبعض باید درباره همه اعم از خویشاوند و بیگانه و توانگر و تهیدست و دوست و دشمن اجرا بشود.

– یا اَیُّهَا الَّذینَ آمنوا کُونوا قَوّامین بِالْقِسْط شُهَداءَ لله وَلَوْ عَلـی اَنْفُسِـکُمْ اَوِالْوالدینِ وَالاَقربین اِنْ یَکُنْ غَنیّا اَوْ فَقیرا فَاللهُ اَولی بِهما فَلاتَتَّبعواالهَوی. (ای گروه مومنان پاسـدار عدالـت باشـید. در گواهـی دادن خـدا را در

نظر بگیرید هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشـــاوندانتان باشد و به نا حق از هیچ کس چه توانگر باشد چه تهیدست جـــانبداری نکنید. خدا اولی به رعایت حق آنان است و در حکم و شهادت هرگـــز از هوای نفس پیروی نکنید (سوره نساء، ۱۳۵)

– وَاَقسِطوا انَّ الله یُحِبُّ المُقْسِطین (و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند البته شما مومنان بین آنها صلح برقرار داریـد و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتـال کنیـد تـا بـه فرمان خدا باز آید پس هر گاه به حکم حق برگشـت یـاحفظ عدالـت، میان آنها را صلح دهید و همیشه یا هر دوست و دشمنی عدالـت کنیـد که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می دارد (سوره حجرات، ۹)

– قُلْ اَمَرَ رَبّی بِالقِسط و ... (بگو ای رسول ما پروردگار من شما را بـه عدل و درستی امر کـــرده و نـیز فرمـوده کـه در هـر عبـادت روی بـه

حضرت او آرید و خدا را از سر اخلاص بخوانید که چنانکه شما را در اول بیافرید دیگر بار در محشر به سویش باز آئید (سوره اعراف، ۲۹).

- وَ اَنزلنا مَعَهُمُ الکِتابَ وَ المیزانَ لِیَقُوم النّاسُ بِالقسط (با پیامبران کتاب و میزان عدل فرستادیم تا طبق آن عمل کنند و مردم در میانشان با قسط و عدل رفتار نموده و به عدالت قیام کنند (سوره حدید، ۲۵)

- وَلایَجْرِمَنَّکُم شَنَانُ قَومٍ عَلی اَلّاتَعْدِلوا (دشمنی با قومی شما را به بی عدالتی نکشاند (سوره مائده، ۸)

اصل هفتم: حق حیات

تاکید بر اینکه همه افراد بشر حق دارند از نعمت حیات برخوردار باشند و این حق برای همه تضمین شده است.

- وَ لا تَقْتُلُوُ النَّفسَ الَّتی حَرَّم اللهُ الّا بالحق (هرگز کسی را که خدا خونش را حرام کرده است به نا حق نکشید (سوره انعام، ۱۵۱)

- مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَیْرِ نَفْسٍ اَوْفَسادٍ فِی الاَرض فَکَاَنَّما قَتَلَ النّاسّ جَمیعا (هر کسی نفسی را که خونی نریخته و یا فسادی در روی زمین برنینگیخته است به قتل برساند مانند آن است که همه مردم راکشته است (سوره مائده، ۳۲).

اصل هشتم: حق امنیت

تاکید بر اینکه همه از حق امنیت بهره مند هستند و هر کس از دیگری سلب امنیت بکند سخت ترین کیفرها درباره او مقرر شده است.

- اِنَّما جَزاءُ الّذینَ یُحارِبون اللهَ وَ رَسولَهُ وَ یَسعَوْنَ فِی الارضِ فَساداً اَنْ یُقَتَّلوا ...

(همانا مجازات کسانی که به خدا و رسول او به ستیز برخاسته و در روی زمین فساد برانگیخته و سلب امنیت می نمایند آن است که به کیفر مرگ محکوم شوند ... (سوره مائده، ۳۳)

اصل نهم: آزادی

تاکید بر اینکه همه افراد از حق آزادی برخوردارند و نمی توان کسی را به بردگی گرفت یا به تجارت برده فروشی پرداخت.

– فَلَا اقْتَحَمَ العقَبَه وَ ما اَدرایکَ مَا العَقَبه فَکُّ رَقَبه اَوْاِطعامٌ فی یَومٍ ذی مَسْغَبَه. (بشر ناموفق به رفع مشکلات زندگی انسانها تن در نداد و بردگی و گرسنگی را از میان بر نداشت (سوره بلد، آیات ۱۱ الی ١٤)

– ... یَضَعُ عَنْهُم اِصْرَهُم وَ ٱلاَغْلالَ الَّتی کانَتْ عَلَیْهِمَ ... (پیامبر اسلام مبعوث شد تا بارهای سنگین تحمیلی را از دوش انسانها بردارد و غل

و زنجیر اسارت و بردگی را از دست و پای آنها بگسلد و آزادشان سازد (سوره اعراف، ۱۵۷)

اصل دهم: حق دادخواهی

تاکید بر اینکه همه افراد بشر حق دارند برای احقاق حق خود یا دفاع و رفع تجاوز دیگران به دادگاه صالح مراجعه و دادخواهی نمایند و یاری طلبند و به قانون عدل دادرسی بشوند.

- وَ لَمَن انْتَصَر بَعْدَ ظُلْمِه فَأُولئِکَ ما عَلَیْهِم مِنْ سَبیل. اِنَّما السَّبیل عَلی الَّذین یَظْلِمَوُن النّاسَ وَ یَبْغُون فِی الارضِ بِغَیر الحَقّ. (هر کس که ستمی بر او رفته به دادخواهی برخیزد و یاری طلبد نباید مورد مواخذه قرار گیرد. مسئولیت و مواخذه متوجه آن گروه است که به مردم ستم روا می دارند و در روی زمین به نا حق زور می گویند (سوره شوری، ٤۱ و ٤۲)

- وَ انْ حَکَمْتَ فَاحکُم بَیْنَهُمْ بِالقِسط (آنها جاسوسان دروغ زن و خورندگان مال حرامند اگر به نزد تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنان برگردان و چنانچه روی از آنها برگردانی هرگز کوچکترین زیانی به تو نتوانند رسانید و اگر حکم کردی میان آنها به عدالت حکم کن زیرا خدا دوست می دارد آنان را که حکم به عدل می کنند. (سوره مائده، ٤٢)

- وَ اذا حَکَمْتُم بَیْنَ النّاسِ اَن تَحْکُمُوا بالعَدل (خدا به شما امر می کند که امانت را البته به صاحبانش باز دمید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید همانا خدا شما را نیکو می دهد که خدا به هر چیز آگاه و به صلاح خلقان بصیر است (نساء ۵۸).

اصل یازدهم: حق مصونیت

تاکید بر اینکه هیچ کس را نمی توان خودسرانه بازداشت یا زندانی یا تبعید نمود.

- وَالّذین یُؤذون المومنینَ و المؤمناتِ بِغَیر مَا اکْتَسبوا فَقَدِ احْتَملوُا بُهتاناً وَ اثْماً مُبیناً. (آنان که مردان و زنان با ایمان را بی هیچ جرم و تقصیری می آزارند آشکارا مرتکب افترا و گناه می گردند (۵۸ احزاب)

اصل دوازدهم: برائت

تاکید بر اینکه متهم مادام که در دادگاه صالح و علنی و بیطرف با در اختیار داشتن وسیله و آزادی در دفاع از حق خود جرمش ثابت نشده و محکوم نگشته است مبری و بی گناه شناخته میشود.

- فَاِذْلَم یَاتوا بِالشُّهَداءِ فَأُولئکَ عِندالله هُمُ الکاذبون. (آنان

که بی اقامه دلیل و شاهد به مردم تهمت می زنند در پیشگاه خدا [در حکم قانون اسلام] مردم دروغ پردازانند (سوره نور،۱۳)

- لا یُکَلِّفُ اللهُ نَفساً اِلّا ماآتاها (خداوند کسی را تکلیف و مجازات نمی کند مگر اینکه قبلا با صراحت قانون را بیان کرده باشد (سوره طلاق،۷)

اصل سیزدهم: حق تناسب جرم با مجازات

تاکید بر اینکه هیچ کس را بیشتر از آنچه که قانون معین کرده است نمی توان مجازات کرد.

- جَزاءً وِفاقاً. (کیفر متناسب با جرم است (سوره نباء، ٢٦)

ـ وَ ما تُجزَوْنَ اِلّا ما کُنْتُمْ تَعمَلون (جز بر آنچه و آن مقدار که مرتکب عمل شده اید مجازات نمی شوید (سوره صافات، ۳۹).

- وَ لِتُجزی کُلُّ نَفسٍ بِما کَسَبَتْ وَ هُم لا یُظْلَمُون (انسان در برابر آنچه مرتکب شد و در همان حد مجازات گردد و به کسی با مجازات اضافی ستم روا نشود (سوره جاثیه، ۲۲)

اصل چهاردهم: ممنوعیت سانسور

تاکید بر اینکه هیچ کس نباید در خصوصیات زندگی افراد و خانواده هایشان و در مراسلات آنان فضولانه مداخله کند یا خانه و محل کار اشخاص را مورد تفتیش قرار بدهد.

- وَ لا تَجَسَسوا (هرگز جاسوسی نکنید (سوره حجرات، ۱۲).

اصل پانزدهم: حرمت حریم خصوصی

تاکید بر اینکه نباید سرزده به خانه کسی پای نهاد و حریم شخصی افراد را مورد تعرض قرار داد.

- لا تَدخُلوا بُیوتاً غَیرَ بُیوتِکُم حَتّی تَستَانِسوا و تُسَلِّمواعَلی اَهلها (به هیچ خانه جز خانه خودتان بی اجازه قدم مگذارید (سوره نور، ۲۷)

- وَ انْ قیلَ لَکُم ارْجِعوا فَارْجِعوا (و اگر گفته شد برگردید حتما برگردید (سوره نور، ۲۸)

- وَ لا یَغْتَب بَعضُکم بَعضاً. (ای اهل ایمان از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس مکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید آیا شما دوست می دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید. البته کراهت و نفرت از آن دارید و از خدا بترسید و توبه کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربانست (سوره حجرات، ۱۲)

اصل شانزدهم: حق اقامت

تاکید بر اینکه هر کس حق دارد در کشور خود هر جا که مایل باشد اقامت گزیند و یا آزادانه به کشور دیگر مهاجرت بنماید یا در اثر فشار و سختگیریهای ناروای دستگاه حاکم به کشور دیگر پناهنده شود.

- یا عِبادِیَ الذَّینَ امَنوا انَّ اَرضی واسِعَه فَاِیّایَ فَاعْبُدون (بندگان من زمین من پهناور است در همه جا مرا بپرستید (سوره عنکبوت، ٥٦)

- قالوا اَلَم تَکُن اَرضُ اللهِ واسِعَهً فَتُهاجِروا فیها (فرشتگان به هنگام مرگ مردم ضعیف و ناتوان که تن به ستم داده و به گمراهی کشانده شده اند عتاب کرده و گفتند مگر زمین خدا پهناور نبود که به سرزمین دیگر کوچ کنید (سوره نساء، ٩٧)

اصل هفدهم: حق ازدواج و تشکل زندگی

تاکید بر اینکه هر یک از مرد و زن که به سن ازدواج رسیده اند حق

دارند با رضا و رغبت خود همسر انتخاب کـرده و تشـکیل خـانواده بدهند و کسی دیگر نباید در امر ازدواج آنها مداخله کند.

- فَـلا تَعضُلُوهُـنَّ اَنْ یَنْکِحْـنَ اَزواجَـهُنَّ (زنـان را مـانع نشـوید از اینکه با شوهر مورد رضایت خودشان ازدواج کننـد (سـوره البقـره، ٢٣٢)

اصل هجدهم: حقوق متقابل همسران

تاکید بر اینکه هر یک از زن و شوهر در آغاز ازدواج و دوران زناشویی و به هنگام جدایی از حقوق مشروعه و متقابله برخوردار خواهند بود.

- وَ لَهُنَّ مِثلُ الَّذی عَلَیهِنَّ بِالْمَعْروف. (زنان را بر شوهران حقوقی است همانند حقوق شوهران بر زنان (سوره البقره، ٢٢٨)

اصل نوزدهم: حق استقلال اقتصادی همسران

تاکید بر اینکه هر یک از مردان و زنان حق تملک و استقلال و تصرف دارند و می توانند از این حق چه به صورت انفرادی چه به صورت اشتراکی استفاده بنمایند. شوهر حق ندارد چه در دوران ازدواج چه به هنگام جدایی زن را زیر فشار قرار داده و یا به حیله و نیرنگ و تهمت زدن بر وی همه یا قسمتی از مهر یا سایر اموال زن را از او بگیرد.

- لِلرِّجالِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبوا وَلِلنِّساءِ نَصیبٌ مِمَّا اکْتَسَبْنَ (مردان و زنان از آنچه که به کسب و کار به دست آورده اند برخوردار هستند (سوره نساء، ۳۲)

- وَ لا تَعضُلو هُنَّ لِتَذهَبوا بِبَعْضِ مـآتَیْتُموهُنَّ (به زنان سختگیری و بهانه جویی نکنید که قسمتی از مهریه آنها را به جور بگیرید (سوره نساء، ۱۹)

- وَآتَيْتُم اِحدا هُنَّ قِنْطاراً فَلاتَأخُذوا مِنه شَيْئا (هر قدر مال فراوانی بـه زن خود داده باشید نباید به زور یا تهمت زدن بـه وی چـیزی از آن را پس بگیرید (سوره نساء، ٢٠)

اصل بیستم: حقوق اقلیتها

تاکید بر اینکه یهودی و مسیحی و زرتشتی که در کشـورهای اسـلامی در حمـایت جامعـه مسـلمین بـه سـر مـی برنـد از حقـوق انسـانی و همزیستی مسالمت آمیز به شرط مراعات ضوابط شهروندی برخـوردار خواهند بود و در احوال شـخصیه و حـل و فصـل اختلافـات فیمـابین خودشان حق مراجعه به قضات و روحانیان مذاهب خود را دارند و می توانند مراسم و آداب مذهبـی خودشـان را بـه صـورت انفـرادی و بـه صورت دسته جمعی در معابدشان برگزار بنمایند و نباید آنها را به ترک دین شان مجبور کرد.

- (لا یَنها کُمُ اللهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یُقاتِلوکُم فِی الدّینِ وَ لَم یُخرِجوکُم مِن دِیارِکُم اَنْ تَبَرّوهم وَ تُقْسِطوا اِلَیْهِم اِنّ اللهَ یُحِبُّ المُقسطین (خدا شما را از نیکوکاری و رفتار به عدالت درباره آن گروه غیر مسلمان که با شما به جنگ نپرداخته و از خانه هاتان بیرون نرانده اند نهی نمی کند و عدالت پروران را دوست می دارد (سوره ممتحنه، ٨)

- لا اِکْراهَ فِی الدّین (دین و عقیده کار قلب است و اکراه بردار نیست و با حجت و برهان می توان در دل مردم نفوذ کرد و عقیده شان را تغییر داد (سوره البقره، ٢٥٦)

اصل بیست و یکم: آزادی اندیشه و بیان

تاکید بر اینکه نوع بشر که از مواهب فکر و بیان و قلم برخوردار است حق دارد همه این تجهیزات و موهبتها را به کار برد و در امور مربوط

به دین و دنیا به تفکر بپردازد. و حق دارد افکار خـــود را شـفاها بـه دیگران عرضه بنماید. و حق دارد اندیشه هایش را به قلم آورد و حـــق دارد آراء و افکار دیگران را بررسی بنماید و آنچه را که بهتر و سـازنده تر بداند برگزیند.

- کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللهُ لَکُم الایَـــاتِ لَعَلَّکُـم تَتَفَکَّـرونَ فِـی الدُنیـا وَ الاخِـره (خدا آنچنان آیات خودش را بر شما روشن می سازد تا در کار دنیـــا و آخرت تفکر بنمایید (سوره البقره، ۲۱۹)

- خَلَقَ الِانْسانَ عَلَمَّهُ البَیان (خدای رحمن انســـان را بیـافرید و بـه وی سخن گفتن آموخت (سوره الرحمن، ۳ و ٤)

- وَ رَبُّکَ الْاَکْرَم الَّذی عَلَّمَ بِالقَلَم (پروردگار کریم و بخشـاینده تـر تـو همان است که به انسان نوشتن آموخت (۳ و٤ علق)

- فَبَشِّـر عِبـادِالذَّینَ یَسـتَمِعونَ الْقَـولَ فَیَتَّبِعـون اَحْسَـنه اُولئِـکَ الَّذیـــنَ

هَداهُم اللهُ وَ أولئِکَ هُم اولوالالباب (مژده رستگاری بده به بندگان من آنان که به سخن دیگران گوش فرا می دهند آن گاه از نیکوترین آنها پیروی می کنند آنان هستند که خدا هدایتشان نموده و آنانند صاحبدلان. (سوره زمر، ۱۷ و ۱۸)

اصل بیست و دوم: حق عضویت تشکلها

تاکید بر اینکه هر کس حق دارد آزادانه عضویت جمعیتی را بپذیرد یا در اجتماعات مسالمت جو شرکت بنماید و نمی توان کسی را به عضویت جمعیت مخصوصی مجبور نمود.

- قُل کُلٌ یَعْمَلُ عَلی شاکِلَتهِ (بگو هر کس در خور فطرت و ملکات نفس خود کار می کند (سوره اسری، ٨٤)

اصل بیست و سوم: شایسته سالاری

تاکید بر اینکه هر کس حق دارد با داشتن صلاحیت و کفایت در شرایط متساوی بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی وی متصدی مشاغل کشوری بشود و هیچ چیز جز کاردانی و امانت شرط ارجاع مقام و منصب نیست.

- اِنَّ خَیرَمَنِ اسْتَاجَرْتَ الْقَوِیُّ الاَمین. (بهترین کسی که به کار می گماری کاربردار امین است (سوره قصص، ٢٦)

- وَ زادَهُ بَسطَهً فِی العِلمِ وَ الْجِسم (خدا طالوت را به فرماندهی گماشت و بر نیروی دانش و قدرت جسمانیش افزود (سوره البقره، ٢٤٧)

اصل بیست و چهارم: حق رفاه و آسایش

تاکید بر اینکه هر کس حق دارد از معیشت متوسط و از سلامت و رفاه خود و خانواده اش از جهت غذا و مسکن و لباس و بهداشت و سایر خدمات اجتماعی برخوردار شود و در حوادث غیر اختیاری مانند بیماری و از کارافتادگی و زیانهای طبیعی مانند سیل و زلزله و غیره بالخصوص بیوه زنان و کودکان بی سرپرست مورد رعایت دولت و جامعه قرار گیرند تا به فساد و آلودگی به کارهای غیر انسانی کشانده نشوند.

- وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُستَخلَفين فيه (از مالی که سپرده الهی است و چند روزی به نوبت به دست شما رسیده است بخل نورزیده و در مصالح عامه صرف کنید که اجر فراوان به دنبال دارد (سوره حدید، ۷)

- وَ تَعاوَنوا عَلَى الْبِرِ وَالتَّقوى (در احسان و نیکوکاری و نگاهداری مردم در حریم تقوی همکاری کنید (سوره مائده، ۲)

اصل بیست و پنجم: حق اظهار نظر و مشارکت

تاکید بر اینکه چون قوای هر کشور ناشی از ملت و توده مـردم اسـت هر کس حق دارد که در امور و اداره کشور خود مستقیما یا بـه وسـیله نمایندگانی که با آزادی کامل انتخاب شده باشند اظهار نظـر بنمـاید. و حـق دارد از کارهـای خـلاف مصـالح عمومـی و تصمیمـات نـاروای زمامداران انتقاد و اعتراض بنماید.

هر گاه روش دستگاه حاکم بـه نقـض قوانیـن اسـلام و بـه اسـتبداد و خودسری بینجامد حق عصیان تا آنجا که حاکم جائر را سر جای خـود بنشاند برای توده مردم محفوظ است.

- وَ اَمْرُهُم شورا بَینَهُم وَ مِمَّا رَزَقْناهُم یُنفِقُون (آنان که کارهای اجتماعی شان با مشورت یکدیگر انجام می یابد و از آنچه روزیشان کرده ایم در راه خیر و صلاح صرف می کنند (سوره شوری، ۳۸)

– وَ المُؤمنونَ وَ المُؤمناتُ بَعضُهُم اَولیاءُ بَعـضٍ یَـامُرونَ بِـالْمَعروفِ و یَنهَوْنَ عَنِ المُنکر (مردان و زنان با ایمان یاران و دوستان یکدیگرند که به کارهای شایسته همدیگر را می کشانند و از کارهای زشت بـاز مـی دارند (سوره توبه، ۷۱)

– ولَو لا دَفْعُ اللهِ النّاسَ بَعضَهُم بِبَعضٍ لَفَسَدتِ الأَرض (اگر خدا برخـی از مردم را در برابر برخی دیگر برنمی انگیخت (فرمان مبارزه نمی داد) فساد روی زمین را فرا می گرفت (سوره البقره، ۲۵۱)

– وَالَّذینَ اِذا اَصابَهُم البَغیُ هُمْ یَنْتَصِرون (آنـان هـر گـاه مـورد سـتم و تجاوز واقع شدند به مبارزه بر می خیزند (سوره شوری، ۳۹)

– لا یُحِبُّ اللهُ الْجَهرَ بِالسُّوءِ مِنَ القَولِ الّا مَـنْ ظُلِـمَ. (خداونـد دوسـت ندارد فریاد کسی بر بد گفتن بلند شود مگر کسی که مـورد سـتم قـرار گرفته باشد یعنی مظلوم در برابر ستمی که بر او روا شده و بر حقوقش

تجاوز گردیده حق اعتراض و حق فریاد کشیدن بر سر ظالم دارد.(سوره نساء، ۱٤۸).

بخش دوم:

حقوق بشر در متون مقدس ادیان الهی

(متون مقدس یهود)

۱- **خلقت و ماهیت خلیفه اللّهی انسان** (نگاه فراگیر به انسان بـدون هیچگونه تفاوت و یا نشانه خاص)

" خداوند آدم را به شکل خـود ـ یعنـی ـ او را بـه شـکل ـ معنـوی ـ خداوند آفرید. آنها را مذکر و مونث آفرید. خداوند آنها را برکـت داد. خداوند به ایشان گفت بارور گردید و زیاد شوید و زمین را پـر کـرده تصرفش کنید و بر ماهی دریا و پرنده آسمان و بـر هـر جـانداری کـه روی زمین می جنبد فرمانروایی کنید". (پیدایش فصل ۱ آیه ۲۷ و ۲۸)

۲- **حق ازدواج و تساوی زن و مرد** (تاکید بر حق انتخاب و زیسـتن مشترک)

" از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده به زنش می پیونـدد و یک تن حساب می شوند". (پیدایش فصل ۲ آیه ۲٤)

۳- **عدم تبعیض بین زن و مرد** (تاکید بر برکت مشترک آدم به معنـای عام)

" آنها را مذکر و مونث آفرید، برکتشان کرد. نام آنها را در روز آفرینششان آدم نهاد". (پیدایش فصل ٥ آیه ٢)

٤- **حرمت جان آدمی** (تاکید بر حقوق مساوی خودی و بیگانه)

" هر آینه ـ انتقام ـ خون شما را به خاطر شما بازخواست خواهم کرد. از دست هر حیوان بازخواست می کنم و از دست انسان، انتقام ـ جان انسان را از دست برادرش خواهم گرفت. هر که خون آدمی را بریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود زیرا خداوند، آدم را به شکل ـ معنوی ـ خود آفرید". (پیدایش فصل ٩ آیه ٥ و ٦)

٥- **برابری در مقابل قانون** (تاکید بر حقوق مساوی بین انسانها و عدم تجاوز به حقوق دیگران)

"برای تابع و غریبی که در میان شما ساکن می شود یک قانون باشد" . (خروج فصل ١٢ آیه ٤٩)

٦- ضرورت نوعدوستی و رعایت حقوق دیگران

" قتل نکن، زنا نکن، دزدی نکن، در مورد هم نوعت شهادت دروغ نده، به خانه همنوعت طمع مورز، به زن همنوعت، غلامش، کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همنوعت باشد طمع مورز". (خروج فصل ٢٠ آیه ١٣)

٧- ضرورت رعایت حق مالکیت و حقوق کار (تاکید بر حقوق مزدبگیران بدون هیچگونه تبعیض و تحقیر)

" مال همسایه خود را غصب منما و ستم نکن و مزد رعیت نزد تو تا صبح نماند". (لاویان فصل ١٩ آیه ١٣)

٨- تاکید بر خیرخواهی برای همه و رعایت حرمت دیگران

"کسی را لعنت نکن و پیش روی کور (سنگ) لغزش مگذار ..". (لاویان فصل ١٩ آیه ١٤)

۹- رعایت انصاف (تاکید بر رعایت عدالت)

" در داوری بی انصافی نکن و فقیر را طرفداری منما و بزرگ را محترم مدار و درباره همنوعت با انصاف داوری نما". (لاویان فصل ۱۹ آیه ۱۵)

۱۰- تاکید بر نوعدوستی و عفو و بردباری (گفته شده تمام اعتقادات دینی و فلسفی یهود در این جمله خلاصه شده است)

" از هم قومت انتقام نگیر و کینه توزی نکن، همنوعت را مانند خودت دوست بدار، من خدا هستم". (لاویان فصل ۱۹ آیه ۱۸)

۱۱- حمایت یکسان از قانون

" برای شما و برای آن غریب و بومی آن سرزمین یک قانون برقرار باشد". (اعداد ۹ آیه ١٤)

۱۲- همبستگی نوع بشر و تساوی در برابر قانون (تاکید بر حق

خودی و بیگانه به نحو یکسان)

" ای جماعت، برای شما و برای غریبی که نزد شما مأواء گزیند یک قانون وجود داشته باشد برای نسل اندر نسل شما در حضور خداوند قانون یکسان برای شما و فرد غریب حاکم باشد." (سفر اعداد فصل ۱۵ آیه ۱۵)

۱۳- حمایت برابر از همه انسانها

"برای شماو برای آن غریبی که نزد شماست یک قانون و یک دستور باشد". (اعداد فصل ۱۵ آیه ۱٦)

۱٤- تاکید بر منع تبعیض مبتنی بر اصل و نسب افراد و اینکه دین افراد موجب سلب حق دیگران نمی شود.

"برای کسی که سهوا خطا کند خواه تابع از بنی اسرائیل و خواه غریبی که در میان ایشان ساکن باشد، یک قانون خواهد بود". (اعداد فصل ۱۵ آیه ۲۹)

۱۵- **ضرورت حمایت از انسانهای آسیب پذیر** (تاکید بـر پرهـیز از ریا و تزویر و رعایت حق و عدالت و جلوگیری از ظلم)

" آیا روزه ای که من می پسندم مثل این است، روزی کـه آدمـی جـان خود را برنجاند و سر خود را مثل نی خم ساخته، پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند؟ آیا این را روزه و روز مقبول خداوند می خوانی؟ مگـر روزه ای که من می پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشایید و گره های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازد و هر یوغ را بشکنید؟ مگر این نیست که نان خود را به گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چـون برهنـه را ببینـی او را بپوشـانی و خود را از آنانی که از گوشت تو می باشند مخفی نسازی؟" (یشعیا نبی فصل ۵۸ آیه ۷-۵)

١٦- تاکید بر بردباری و انصاف نسبت به همه انسانها

" ای مرد از آنچه نیکوست تو را اخبار نموده است و خداوند از تو چه چیز می طلبد غیر از این که انصاف را به جا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش با فروتنی سلوک نمایی؟" (میکا نبی فصل ٦ آیه ٨)

بخش سوم:

حقوق بشر در متون مقدس ادیان الهی

(متون مقدس زرتشتیان)

١- آزادی اندیشه و وجـــدان و حــق انتخــاب راه درســت بــدون تبعیض بین زن و مرد

" ای مردم بهترین سخنان را بگوش بشنوید و با اندیشه روشن و ژرف در آن بنگرید. هر مرد و زن از شما خود باید راه خویش را بــرگزینـد. پیش از روز واپسین بپاخیزید و در گسترش راه راستی کوشش کنیــد".

(از کتاب آسمانی زرتشتیان گاتاها - هات ٣٠ آیه ٢)

٢- ضرورت حرکت در مسیر الهی برای اجرای عدالت

" ای خداوند جان و خرد با دیده دل دریافتم که تویی سرآغاز که تویی سرانجام، تویی سرچشمه آفرینش و تویی داور دادگر اعمــال جـهانی".

(هات ٣١ آیه ٨).

٣- آزادی و اختیار آدمی

" ای خداونـد جـان و خـــرد از توســت آرامــش و نــیروی خـــرد

مینوی جهان آفرین که به بندگان خویش نیروی اختیار بخشیدی تا راه نیک و بد را خود برگزینند و به سوی راستی و رهبر حقیقی گروند یا به سوی دروغ پرستان و رهبران دروغین روی آورند". (هات ۳۱ آیه ۹)

٤- آزادی عقیده و فکر

" ای اهورا مزدا هنگامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی از منش خویش نیروی اندیشیدن و خرد را به انسان بخشیدی. زمانی که به تن خاکی روان دمیدی و به انسان نیروی کار کردن و سخن گفتن و رهبری کردن عنایت فرمودی. خواستی که هر کس به دلخواه خود با کمال آزادی کیش خود را برگزیند" . (هات ۳۱ آیه ۱۱)

٥- تاکید بر اهمیت اساسی خردورزی و دانش اندوزی

" ای اهورا مزدا این دو نیروی بزرگ رسایی و جاودانگی و راستی و پاکی که از آن تست تنها با خرد و دانش و فروغ بینش اهورایی می توان به دست آورد بشود که در پرتو منش پاک از بخشایش این نیروهای همکار برخوردار گردیم". (هات ٣٣ آیه ٩)

٦- اهمیت تعلیم و تربیت آدمی

" ای هستی بخش بزرگ دانا، راهی را که به من نشان دادی راه سوشیانت هاست که نیکی را در پرتو راستی و شادی به دست خواهند آورد، آموزش که انسان را به خرد و دانش واقعی رهبری می کندو پاداش آن رسیدن به توست ای خداوند خرد". (هات ٣٤ آیه ١٣).

٧- اهمیت رشد و توسعه جهانی برای آحاد بشر

" ای اهورا مزدا کسانی از پاداش گران بها که نوید داده ای بهره مند خواهند شد که کار را از روی خرد و منش پاک انجام دهند و

برای پیشرفت و آبادانی جهان کوشش نمایند و خواست خداوند هستی بخش را برآورده ساخته در پرتو راستی و پاکی در پیشرفت اراده الهی کوشا باشند". (هات ٣٤ آیه ١٤)

٨- تاکید بر نیکی و شفقت به دیگران

" مزدا اهورایی که فرمانده مطلق است چنین مقرر فرموده که «خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد» پروردگارا برای استوار ماندن به آئین راستی از تو نیروی تن وروان خواستاریم". (هات ٤٣ آیه ١)

٩- نفی ظلم و ستم و ترویج دوستی و عدالت

- خشم و نفرت را نسبت به انسانها از خود دور کنید و اجازه ندهیدکه اندیشه هایتان به خشونت و ستم گرایش پیدا کند. به منش نیک و مهر و محبت دلبستگی نشان دهید. رادمردان پاک سرشت برای

گسترش راستی و درستی پیوند استوار خواهند بست و هواخواهان حقیقت را به سوی بهشت اهورا که منزلگه راستان و پاکان است رهبری خواهند نمود". (هات ٤٨ آیه ٧).

١٠- حق ازدواج و ضرورت مهرورزی مشترک همسران

" ای عروسها و ای تازه دامادان با ضمیری روشن نیک دریابیدو به خاطر بسپارید که همواره در زندگی زناشویی در مهرورزی و نیک منشی و راستی و پاکی از یکدیگر سبقت جویید. چه بی گمان از زندگانی سرشار از خوشی و خوشبختی برخوردار خواهید شد". (هات ٥٣ آیه ٥)

١١- ضرورت پرهیز از ریا و دروغ و نقض حقوق دیگران

" ای مردان و زنان کوشش کنید به این حقیقت توجه داشته باشید که از زندگانی وسوسه انگیز مادی و دروغ پرهیز کنید و از پیشرفت ریا

و فریب جلوگیری نمائید. پیوند خود را با دروغ بگسلید و بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادرست و بدبختی و بیچارگی دیگران به دست آید جز رنج و افسوس چیزی ببار نخواهد آورد و تبهکاران و دروغ پرستانی که در پی تباهی درست کردارانند براستی زندگانی و آرامش روحی خود را از بین برده اند". (هات ۵۳ آیه ٦)

شایان ذکر است در اوستای روزمره نیز مطالبی را می خوانیم که نشان دهنده برابر دانستن زن و مرد و همه انسانها در جهان بوده و خواستار صلح و دوستی در جهان می باشد. در اوستای کشتی ***(Koshti)*** می خوانیم: میستاییم دین پاک مزدیسنی *[*دین زرتشتیان مزدیسنی یعنی مزداپرستی نامیده می شود و مذهب یا کیش ما زرتشتی است *]* که اندیشه و گفتار و کردار نیک را می ستاید و دورنگه دارنده جنگ افزار و آشتی دهنده است .

«در بخش دیگری از اوستا می خوانیم همازوربیم (هـم نـیرو باشـیم) همازور کِرفه کاران بیم (ثواب کاران) باشیم. دور از ونـا (گنـاه) کـاران بیم. همکار با نیکان و وهان (بهترین های) جهان بیم.»

«ایدون باد»

بخش چهارم:

حقوق بشر در متون مقدس ادیان الهی
(متون مقدس مسیحیت)

١- تاکید بر عدالت خواهی و صلح دوستی و گذشت و بردباری

" خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد ... و خوشا به حال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد و خوشا به حال رحم کنندگان زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد". (متی ١٠-٦: ٥)

٢- ضرورت حمایت از افراد آسیب پذیر و احترام به حقوق دیگران

" ... بر غریبان و یتیمان و بیوه زنان ظلم ننمائید و خون بیگناه را در این مکان نریزید و خدایان غیر را به جهت ضرر خویش پیروی ننمائید..." (ارمیا-آیه ٦: باب ٧)

٣- ضرورت پرهیز از نقض حقوق کارگران و تاکید بر حمایت از مستمندان

" ... بر کارگرهای خود ظلم می نمائید، اینک به جهت نزاع و مخاصمه

روزه می گیرید و به شـــرارت لطمـه مـی زنیـد...“، مـی گویـد: ”... بندهای شرارت را بگشائید و گره های یوغ را باز کنیـد و مظلومـان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید و نـان خـود را بـه گرسـنگان تقسـیم نمائید و فقیران رانده شده را به خانه خـود بیـاورید و چـون برهنـه را ببینی او را بپوشانی ...“ خداوند می گوید ”... با این اعمـال اسـت کـه حق و عدالت می تواند اجرا شود. اما اگر انسان به خـون و انگشـتهای انسان به شرارت آلوده باشد و دروغ در میان کلام انسـان باشـد، هیـچ عدالتی برقرار نخواهد شد بلکه او حق خود را از دست خواهـد داد...“ (اشعیاء آیات ۱٤-۱:باب ۵۸)

٤- تاکید بر حرمت جان آدمی و ترویج نوعدوستی و بردباری

”... شنیده اید که به قبلی ها گفته شده است، قتل مکنید و هر کـه قتـل کند سزاوار حکم شود، اما من به شـما مـی گویـم هـر کـه بـه بـرادر

خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خـــود را احمق گوید مستوجب قصاص باشد". (متی ۲۲-۵:۲۱)

۵- تاکید بر شفقت و دوستی بین انسانها

" ... تا وقتی که با مدعی خـــود را در راه هســتی بـا او آشـتی نمـا ..."

(انجیل به قول متی آیه ۲۵: ۵)

٦- تاکید بر پاداش اخروی نیکوکاری در این جهان

" ... آنچه را که در این دنیا ببندید در آسمان بسته خواهد شـد و آنچـه را که در این دنیا بگشائید در آن دنیا گشوده خواهد شد ..."

بعضی ها فرمان چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان را بـه طـور تحت الالفظی درک کرده و همان عمل را برای اجرای عدالت انجام می دهند. اما منظور خداوند از این کلام این بود که "... زیرا که بـــه همـان پیمانه ای که می پیمائیم برای شما پیموده خواهد شـد. (لوقـا آیـه ۳۸: باب ٦)

اگر ظلم کند به او ظلم خواهد شد و یـا بـه عبـارتی دیگـر هـر کـه شمشیر کشد به شمشیر بیفتد ...". در عهد عتیق تفسـیر ایـن کـلام "... آنچه برای خود نمی خواهی برای دیگران هم نخواه ...." بود. (متی ۵۲: ۲٦)

اما در انجیل فرمانی عظیم تر صادر می شود و آن فرمـان محبـت مـی باشد. محبتی که مسیح تعلیم می دهد، محبتی نیست که فقط نسبت بـه دوستان و محبان ادا می شود. بلکه حتی به دشمنان و لعن کننـدگـان و نفرت کنندگان. او محبت عملی خود را بر روی صلیب آشکار نمود. او در حالی که مصلوب می شد کشندگان خـود را بـر روی صلیـب دعـا کرده و گفت: "... ای پدر آنها را ببخش زیرا که نمی دانند چه می کنند ..." (لوقا ۲٤: ۲۳)

پس اگر او کشندگان خود را می بخشاید، انسان چرا نباید همنوع خـود

را ببخشاید و یا همنوع خود را در گناهی که خـود انجـام مـی دهـد محکوم کند. پولس رسول با پیروی کلام مسیح که مـی گویـد: " ... ای ریاکار اول چوب را از چشم خود در بیاور تا بتوانی خـار را از چشـم برادرت در بیاوری. (متی ۵: ۷)

می گوید ..."،"علیهذا ای آدمی که حکم می کنی، هر که باشـی عـذری نداری زیرا که به آنچه بر دیگری حکم می کنی، فتـوی بـر خـود مـی دهی زیرا تو که حکم می کنی همان کارها را به عمل می آوری و مـی دانم که حکم خدا بر کنندگان چنین اعمالی بر حق است. پس ای آدمی که بر کنندگان چنین اعمال حکم می کنی و خود همان را می کنی، آیا گمان می بری که تو از حکم خـدا خواهـی رسـت یـا آنکـه دوسـت مهربانی و صبر و علم او را ناچیز می شماری و نمی دانی که مـهربانی خدا تو را به توبه می کشد ..." (رومیان ٦-٢: ٢)

پس انسان باید طالب عدالت بوده گناهان خـود را بـه پـای خداونـد ریخته و زندگی خود را براساس حکم محبت، آن طور که مسیح عمـل می کند استوار سازد.

۷- ضرورت ترویج محبت و نوعدوستی

مسیح می فرماید: "... به همدیگر محبت کنید، آن طور که من بـه شـما محبت نمودم. این محبت الهی فراتر از آن فرمان پیشین است کـه مـی گوید " همسایه خود را چون خود محبت فرما. زیرا که عیسی در ایـن فرمان جدید خود حد محبت را تا بی نهایت گسـترش مـی دهـد ...". (یوحنا ۳٤ :۱۳)

اگر او می گوید: "... با شر مقاومت نکن ..."خـود او هنگـامی کـه بـر صورت او تپانچه (سیلی) می زنند و به روی او آب دهان مـی انـدازد، برای دفاع از حق روی خود را از زنندگانش بر نمی گردانـد و تـا بـه

آخر نه فقط شاگردان و مریدان را محبت می کند، بلکه حتـی سـیلی زنندگان و ناسزا گویان و مصلوب کنندگانش را با خون خود می شوید و محبت الهی را بر آنها آشکار می سازد و به فرمان خود عمل می کند.

۸- تاکید بر گذشت و بردباری

"... هر گاه کسی ترا برای یک میل مجبور سازد، دو میل همراه او برو و هر کس از تو سوال کند بدو ببخش و اگر کسی خواهد بـا تـو دعـوی کند و قبای تو را بگیرد، عبای خود را نـیز بـدو واگـذار..." (متـی ٤٤-٥:٤٠)

او آنچه را که بر بالای کوه موعظه گفته بود، در بـالای کـوه جلجتـا بـا خون خود مهر نمود. لباسش را چهار تکـه کردنـد و بـه روی ابـای او قرعه انداختند و او را نه ۲ میل بلکه صدها میل راه بردند و آنچه را کـه او بر روی صلیب به ما داد، خود او بود. او خود را به مـا داد و هدیـه

کرد تا عدالت و حق را نمایان کند. (متی ٤٢ :٥)

انسانی که با داشتن چشم طمع به مال همسایه خود، انسانی که با داشتن چشم بد به همسر همسایه خود، انسانی که با داشتن بی عدالتی و غرور ویرانگر، کلام خداوند را که یک بار در باغ عدن (بهشت) و بار دیگر در پای کوه سینا شکسته بود ادعای عدالت نموده و سرور عدالت را بر روی صلیب دید. اما همان او بود که در جسم انسانی اش گناه را کفاره می کرد. او هیچکس را به عوض بدی ای که به او روا داشتند بدی مرسانید. بلکه خود را به عنوان برکت عظیم تقدیم نمود و صلح را در میان انسانها که همدیگر و خدا را دشمن داشتند برقرار نمود.

۹- تاکید بر پرهیز از روحیه انتقام جویی

پولس رسول در رساله خود می گوید: " ... ای محبان انتقام خود را

مکشید بلکه خشم را مهلت دهید. زیرا مکتوب است «خداوند می گوید که انتقام از آن من است، من جزا خواهم داد» پس اگر دشمن تو گرسنه باشد، او را سیر کن و اگر تشنه است سیرابش نما. زیرا اگر چنین کنی، اخگرهای آتش بر سرش خواهی انباشت. مغلوب بدی مشو بلکه بدی را به نیکوئی مغلوب ساز...."(رومیان باب ۱۲ آیه ۲۱-۱۹)

۱۰- رعایت انصاف در روابط انسانی

عیسی مسیح می گوید: "... چنانکه می خواهید مردم با شما به خوبی عمل کنند، شما نیز به همان طور با ایشان رفتار نمائید ..." (لوقا ۳۱: ٦) آنچه که مسیح تعلیم می دهد، براساس محبت است. محبتی که نتیجه همان نوری است که در جهان تایید یعنی کلمه ازلی خداوند مسیح. یوحنای رسول در رساله خود می نویسد "... حکمی تازه به شما می

نویسیم که آن در وی و در شما حق است. زیرا که تاریکی در گـذر است و نور حقیقی آن می درخشد کسی که می گوید که در نور اسـت و از برادر خود نفرت دارد تا حال در تاریکی است. و کسی کـه بـرادر خود را محبت نماید در نور یعنی در او ساکن است..." و در آخـر مـی گوید: ".... محبت را به جا آوریم نه در کلام و زبـان بلکـه در عمـل و راستی ..." پس با توجه به آیات و سخنان فوق نتیجـه مـی گـیریم کـه رعایت حقوق بشر در گروه والاتریـن قـانون خداونـد اسـت. (یوحنـا باب۲)

خدای خود را به تمامی دل و به تمامی وجود و به تمامی ذهـن خـود محبت نما. همسایه خود را چون نفس خود محبت نمـا. و اگـر انسـان این قانون را در دل خود حک کند، دزدی نمی کند، قتل نمی کند، طمع نمی ورزد، زنا نمی کند، به پدر و مادر خود احترام مـی گـذارد و نـام

خداوند را بی جهت به زبان نمی آورد و نام خداونـد و روزهـای او را تقدیس می نماید. (لوقا ۲۷: ۱۰ و کتاب خروج باب ۲۰)

باشد که انسان با ماندن در محبت الهی به کلام خداوند عمـل کـرده و چون خداوند که باران رحمت را بر نیکان و هم بدان می بخشد رحـم و عطوفت را عطا نماید تا صلح و دوستی را در دنیا ببیند.

سری مجموعه اسناد حقـوق بشـر در قطـع جیبـی کـه بـه زودی از سـوی کمیسیون منتشر خواهد شد عبارتند از :

- منتخبی از حقوق بشر در تاریخ و فرهنگ ملل باستانی
- منتخبی از حقوق بشر در سیره و سلوک اولیای دینی (ادیان توحیدی)
- منتخبی از حقوق بشر در اسناد دوره مشروطه در ایران
- منتخبی از حقوق بشر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران
- منتخبی از حقوق بشر در اسناد تعهدات بین المللی ایران
- منتخبی از حقوق بشر در برخی اسناد مهم بین المللی فرا روی ایـران (کـه هنوز الحاق بدانها انجام نشده است)

Iranian Islamic Human Rights Commission

An Excerpt Of
Human Rights
In Divine Scriptures



ISBN : 978-964-8308-26-8
شابک : ۸-۲۶-۸۳۰۸-۹۶۴-۹۷۸

Edited By :
Mohammad Hassan Ziaei-far